

بسم الله الرحمن الرحيم

(قسمت ۱ حمد و سپاس خلاق عالم)

حمد و سپاس مر آن پادشاهی را که عالم عود و معاد را بتوسط ملامت کروی بی
 و روحانی در وجود آورد و عالم کون و فساد را بتوسط آن عالم هست گردانید
 و بیاراست بامر و نهی انبیاء و اولیاء و نگاه داشت بشمشیر و قلم مالوک و وزراء (توجه
 فرمائید که در ضمن سپاس خالق ذکری هم از انبیاء و اولیاء و پادشاهان و وزراء کرده)
 (قسمت ۲ - سپاس و مدح حضرت رسول اکرم و اهل بیت و اصحاب)

و درود بر سید کونین که اکمل انبیاء بود و آخرین بر اهل بیت و اصحاب او
 که افضل اولیا بودند

(قسمت ۳ - مدح پادشاه وقت) و ثنا بر پادشاه وقت ملک عالم عادل مؤید

مظفر منصور حسام الدوله والدين نصره الاسلام والمسلمين قانع الكفرة والمشرکين
 قاهر الزنادقة و المتمردين عمده الجيوش في العالمين افخار الملوك و السلاطين
 ظهير الايام مجير الانام عنصر الخلافة جمال العلة جلال الامة نظام العرب و العجم
 اصیل العالم شمس المعالی ملک الامراء ابو الحسن علی بن مسعود نصیر امیر المؤمنین
 که زندگانش بکام او باد و بیشتر عالم بنام او باد و نظام ذریت آدم باهتمام او باد که
 امروز افضل پادشاهان وقت است باصل و نسب و رای و تدبیر و عدل و انصاف و شجاعت
 و سخاوت و پیراستن ملک و آراستن ولایت و پروردن دوست و قهر کردن دشمن و
 برداشتن لشکر و نگاهداشتن رعیت و امن داشتن مسالک و ساکن داشتن ممالک
 برای راست و خرد روشن و عزم قوی و حزم درست که سلسله آل شنسب بجمال
 او منضد و منظم است و بازوی دولت آن خاندان بکمال او مؤید و مسام است که باری
 تعالی او را با مالوک آن خاندان از ملک و ملک و تخت و بخت و کام و نام و امر و نهی
 بر خور داری دهد به منه و عمیم فضله.

(آیا دیگر صفت و حسنی باقی مانده است که باین ملک نبسته اند؟)

فصل

رسمی قدیم است و عهدی بعید تا ابن ریم معهود و مسالوک است که مؤلف

و مصنف در تشبیب سخن و دیباچه کتاب طرفی از ثناء مخدوم و شطری از دعاء
ممدوح اظهار کند اما من بنده مخلص در این کتاب بجای مدح و ثناء این پادشاه اذکار
انعامی خواهم کردن که باری تعالی و تقدس در حق این پادشاه و پادشاهزاده فرموده
است و ارزانی داشته تا بر رأی جهان آرای او عرضه افتد و بشکر این انعام مشغول
گردد که در کتاب نامخلوق و کلام ناآفریده می فرماید لئن شکرتم لازیدنکم که شکر
بنده کیعمای انعام خداوندگار منعم است فی الجملة این پادشاه بزرگ و خداوند
عظیم را می بیايد دانست که امروز بر ساهره این کره اغبر و در دایره این چتر اخضر
هیچ پادشاهی مرفه تر از این خداوند نیست و هیچ بزرگی بر خوردار تر از این ملک
نیست موهبت جوانی حاصل است و نعمت تندرستی برقرار پدر و مادر زنده برادران
موافق بریمین و بسار چگونه پدری چون خداوند ملک معظم مؤید مظفر منصور
فخرالدوله و الدین خسرو ایران ملک الجبال اطال الله بقاءه و ادام الی المعالی
ارتقاءه که اعظم پادشاهان وقت است و افضل شهرساران عصر برآی و تدبیر و عام و حام
و تیغ و بازو و گنج و خزینه باده هزار مرد سناندار و عناندار خویشان را در پیش فرزندان
سیر کرده تا باد صبا شوریده بر یکی از بندگان نوزد و درستر رفیع و خدر منبع
ادام الله رفعتها داعیه که هر یارب که او در صمیم سحرگاهی بر درگاه الهی کند -
بلشکری جرار و سپاهی کرار کار کند و برادری چون خداوند و خداوندزاده
شمس الدوله و الدین ضیاء الاسلام و المسلمین عز نصره که در خدمت این خداوند
ادام الله علوه بغایت و نهایت همی رسد و الحمد لله که این خداوند در مکافات و
و مجازات هیچ باقی نه می گذارد بلکه جهان روشن بروی او همی بیند و عمر شیرین
بجمال او همی گذارد و نعمت بزرگتر آنکه منعم بر کمال و مکرم بی زوال او را
عمی بارزانی داشته است چون خداوندی عالم سلطان مشرق علاء الدنیا و الدین ابوعلی
الحسین بن الحسین اختیار امیر المؤمنین ادام الله عمره و خلد ملکه با پنجاه هزار
مرد آهن پوش سخت کوش که جمله لشکرهای عالم را باز مالید و کلی ملوک عصر
را در گوشه می نشانید ایزد تبارک و تعالی جمله را بیکدیگر ارزانی دارد و از یکدیگر
بر خور داری دهد و عالم را از آتار ایشان بر انوار کند به من وجوده و کرمه .